

# کلام جدید

## ایجاد تعادل در جامعه، با عمل کردن به فطریات

کند اما سیگار کشیدن چون عادت است و اکسایبی، ممکن است تحت فشار ترک گردد و به نسل بعدی هم منتقل می‌شود، مثلاً کارل مارکس ولتین شک نداشتند و می‌گفتند که دین و نظام محصول یک سلسله شرایط تولیدی است یعنی در یک سلسله از نظام تولیدی وجود دین لازم است چون علتش هم این است که بنظر مارکس کارگر با لذات

در شماره پیش درباره فرق بین انسان و دیگر موجودات صحبت شد و گفته شد که انسان یک وجودی عالی تر از دیگران است بعد این شیخه گرفته شد که این امر اضافه‌ای که در انسان، محدود کننده است، این سوال مطرح شد که چگونه فطری بودن یک امری را می‌توانیم بشناسیم که در این رابطه یک فرق بین امر فطری و اکسایبی گفته شد و آن عمومیت داشتن امر فطری بود و حال در دنباله همان بحث به فرق دیگر بین امر سرشتی و اکسایبی پرداخته می‌شود.

\*\*\*

علامت دیگر که نشان می‌دهد امری اکسایبی یا سرشتی است، این است که امر سرشتی قابل ریشه کن کردن نیست ولی امر اکسایبی قابل ریشه کن کردن است. مثلاً اگر مردی بزبانی خاص صحبت می‌کند میشود آن زبان را منسوخ کرد و زبان دیگری بجای آن گمارد پس زبان و لهجه اگر چه مشکل است ولی باز قابل تغییر است و یا لباس پوشیدن که قابل تغییر است پس هر امریکه صرفاً عادت و اکسایبی باشد قابل تغییر و ریشه کن کردن است و امر فطری راهر چند بطور موقت میتوان از بین برد

\* علامت دیگر سرشتی بودن این است که وجود یک امر فطری تعادل ایجاد می‌کند و عدم آن بی تعادلی ولی یک امر معمولی برعکس است.

ولی بطور کلی نمیتوان ریشه کن نمود و مانند درخت نارون که اگر در خاک پنهان باشد از یک گوشه دیگر سر در می‌آورد چون در اعماق زمین ریشه دارد و اینگونه در جاساز راهر چه ریشه‌اش را بزنند باز یک ریشه نازک مبتداند ارونی تولید

صفحه ۲۲

روشنفکر و با لذات ضد دین است اما این موضوع، عمل خلافتش ثابت شد و از سال ۱۹۱۷ تا بحال که ۵۰ سال (تقریباً دوسال) از دوره این تز میگذرد هنوز هم بودجه های هنگفت برای

هر امریکه صرفاً عادت و اکسایبی باشد قابل تغییر و ریشه کن کردن است و امر فطری راهر چند بطور موقت میتوان از بین برد ولی بطور کلی نمی توان ریشه کن نمود.

مبارزه دینی جوانان بکار می‌برند و منظور از این گفته ویل دورانت در درسهای تاریخ که میگوید دین صد جان دارد اینست که مساله مبارزات ضد دینی در دنیا آنطور که انتظارش را می‌کشیدند عملی نیست و در عین حال در همه جا حرکتی ضد مذهبی، در واقع ضد مذهب نیست بلکه حرکت ضد آن چیزی است که خودش را به مذهب چسبانده است، مثلاً همراه طبقه سرمایه دار یا ملاکین طبقه‌ای بنام روحانی با طبقه حاکمه می‌آید و خودش را به دین می‌چسباند و از این میخواهد خود را توجیه کند بعد افرادی که با این گروهها مخالفند دیگر تحلیل نمی‌کنند که مبارزه باید با کسی باشد که خود را بمذهب چسبانده نه با خود مذهب، مردی بود بنام شیخ آقا بزرگ تهرانی که رشته هایش تبعی است و در کتابشناسی و فهرست شناسی شخصیتی فوق العاده است و کتابی بنام (الذریعه) دارد که در حدود پنجاه، شصت سال روی این کتاب و کتاب اعلام الشیعه که در مورد نشان دادن

جهاد





فرد یا در جامعه موجب بی تعادلی میشود یا تعادل، مساله اینست که خلاء دین یک حالت بی تعادلی در فرد یا جامعه بوجود می آورد، و بهمین جهت است که میگوئیم فطری بودن یک چیزی در مقابل اکتسابی بودن است و نیز ابتدایی بودن هم بمعنای بی سابقه بودن یک امر فطری است حال آنکه در مفهوم خالق و خلقت معنای ابتدایی بودن وجود ندارد اما در مفهوم (فطر و فاطر) مفهوم ابتدایی بودن خواهبه است.

و همچنین گفتیم که در استعمالات لغت غرب در مورد ابتدایی بودن چیزی، معمولاً اصطلاح فطر را بکار میبرند مثلاً دندان نیش (ناب) شتر را که برای اولین بار ظاهر میشود و با اصطلاح نیش می زند (فطر ناب الناقه) می گویند، پس مفهوم خلقی بودن و ابتدایی بودن همان مفهوم فطر است و فطره هم که از صیغه «فطر» می باشد گونه ای خاص از خلقت را میسراند، مانند جلسه (یعنی گونه ای خاص از نشستن). بنا بر این امر مکسب در مورد یک موجود فطری نیست و بنا اگر یک سلسله امور را که اکتسابی است کسب کردیم بدان فطری نمی گوئیم چون اکتسابی است و نتیجه یک سلسله مکسبات طولانی تاریخی می باشد و خصلتهای کنونی که در حال حاضر در سرشت ما وجود دارد همان نتیجه مکسبات طولانی میلیونها

شخصیت های شیعه در چهارده قرن است، زحمت کشید و به سبب اینکه روحانیت دارای امکانات و تشکیلات نبودند، این مرد هم عمر صد ساله را در نهایت محرومیت بسر برد، و بچه هایش همه لامذهب و ضد اخوند سپس ضد دین و اسلام و اکثرشان کمونیست شدند درحالیکه اینها در آغاز ضدیت با طبقه روحانی نسا داشتند نه با خود مذهب و یکی دیگر هم مرحوم دهخدا است در فاصله سالهای ۲۰ و ۳۰ به آنها پیوند یافت زیرا او هم عقده های اینچینی داشت

پس همانطور که گفته شد یکی از علانم فطری بودن آنست که دین قابل نسخ شدن نیست بلکه موقتا بر اثر عوامل مخالف بیرونی دربرده میرود



در همه جا حرکت های ضد مذهبی، در واقع ضد مذهب نیست بلکه حرکت ضد آن چیزی است که خودش را به مذهب چسبانده است مثلاً همراه طبقه سرمایه دار یا ملاکین، طبقه ای بنام روحانی!! با طبقه حاکمه می آید و خودش را بدین می چسباند.

آن مرغابی، کم کم این پرده بطور طبیعی شکل می گیرد و بالاخره کارهای اکتسابی نسلهای گذشته تدریجاً بصورت یک سلسله امور ارثی در خلقت پدید آمد و اکنون که پرده میان انگستان مرغابی را می بینیم برای این مرغابی فعلی یک امر موروثی و سرشتی است که نتیجه عمل مستمر کشیده شدن انگستان مرغابیهای گذشته است و همینطور است زرافه که پاهانی کوتاهتر از دستها و گردنی بلند دارد، این بود که لامارک اصل استعمال و عدم استعمال، باضافه اصل وراثت را عامل اصلی تغییرات عضوی می دانست و همچنین معتقد بود که اینموضوع شامل مسائل روحی هم میشود.

این عقیده هم اکنون مردود دانسته شده و یکی از افرادی که این عقیده را رد کرده اند داروین است هر چند که او اصل وراثت را قبول داشت اما بعد از داروین اساساً اصل وراثت چه بصورت لامارکی یا داروینی رد شده است و دلیلی هم بر اکتسابی بودن روح انسانی نمیتوانیم بیاوریم زیرا روح در انسان یک امر ابتدایی محض است بدون امر اکتسابی تدریجی و فعلی.

ادامه دارد

صفحه ۳۳

سال پیش است که در اسلاف ما بصورت سرشتی درآمده، پس امر اکتسابی دو مرحله دارد یکی آنکه اول اکتسابی بوده و بعد تغییر شکل داده و بصورت سرشتی درآمده، دوم اینکه در حال حاضر اکتسابی شده است مثلاً باز فرض کنید که وقتی بچه انسان متولد میشود یک حالت جستجوگرانه ای برای پستان مادر دارد و دائماً لبهایش را کج و راست می کند حال ممکن است کسی بگوید که در ابتدا بچه ها اینگونه حرکات را انجام نمیدادند بلکه مادران بودند که بچه ها را بطرف پستان، نسل به نسل برده اند و این عادت نوعاً بصورت سرشتی درآمده و در نسلهای بعد بچه ها خود بخود اینگونه حرکت را از خود نشان میدهند همانطور که لامارک می گفت ابتدا میان پنجه های مرغابی پرده ای وجود نداشته و مانند مرغابی عادی که در خشکی زندگی می کنند و میان انگشتانشان پرده ای نیست او هم انگشتانش فاقد پرده بوده است اما چون مرغابی در آب است و دائماً مجبور است که برای راه رفتن در آب انگشتانش را از هم باز کند لای انگستان باز شده و بتدریج پرده ای در میان انگستان پدیدار می گردد و بعد در نسلهای بعدی

علامت دیگر سرشتی بودن دین اینست که یک امر فطری بودنش تعادل ایجاد می کند و خودش بی تعادلی، ولی یک امر معمولی برعکس است مثلاً یک فرد سیگاری بقدری معتاد میشود که برایش امور عادی یا غیر عادی مطرح نیست بلکه آنچه برایش مطرح است سیگار و جای است، جای را برای سیگار می نوشد و غذا را برای توانائی نریاک کشیدن و چون سیگار ضد ریه است در دستگاههای بدن او یک حالت نامتعادل ایجاد می کند در حالیکه یک امر طبیعی تعادل را ز میان نمی برد اکنون می گوئیم آیا وجود دین در

جهاد